

## نقدی بر " همه پرسى چاوز و ابقای سرمایه "

نویسنده رفیق جعفر پویه،

مندرج در نشریه شماره ۲۳۰ نبرد خلق

لیلا جدیدی

سیاست جهان گسترانه امپریالیسم که به صورت هرچه تهاجمی تر، ادغام کشورهای حاشیه ای در نظم نوین خود را دنبال می کند، صف بندی آشکاری را در سطح جهانی به وجود آورده است. مضمون نئولیبرالیستی این سیاست، در همه حوزه هایی که آمریکا و اروپا در آنها مداخله می کنند، تکرار می شود. اما این شرایط ویژه کشورها است که شکل این مداخله گری را تعیین می کند. از سوی دیگر، سلطه گری امپریالیستی، نیروهای مینی را علیه آن بسیج می کند که ریشه در مرحله ای که جامعه از نظر طبقاتی در آن به سر می برد، سطح رشد نیروهای مولده و درجه سازمانیافتگی طبقات و اقشار اجتماعی دارد. بنابراین، صف بندی که بر این مبنا علیه سلطه گری امپریالیستی شکل می گیرد، به لحاظ اهداف و سمتگیری، نمی تواند شکل واحدی داشته باشد. برای مثال نمی توان از زاویه دگرگونی سوسیالیستی روابط اجتماعی با آن برخورد کرد. روشن است که واقعی ترین راه حل مقابله با توسعه نئولیبرالیستی، آزادی نیروی کار و ایجاد بدیل اجتماعی آن، سوسیالیسم است، اما فرار گرفتن این راه حل در دستور کار جامعه و نیروهای درگیر آن به عنوان یک امکان عملی، به پیش شرطهای پیچیده تری از اراده و خواست احزاب، گرایشها یا شخصیتهای سیاسی نیاز دارد. از این جهت، ارزش گذاری نیروهای مخالف نظم نوین امپریالیستی، بدون توجه به ویژگیهای جداگانه آنها و با معیار اهداف حداکثر، تصویر روشنی از این نیروها و سیاستهایشان به دست نمی دهد. برای ارزیابی جایگاه عملی طیفهای مختلف جنبش ضد جهانی سازی و نئولیبرالیسم در کادر یک مبارزه عمومی علیه سلطه گری نظم نوین، معیار برخورداری یا عدم برخورداری از چشم انداز سوسیالیستی به تنهایی کافی نیست. گرایشات شوونیستی، بنیادگرایانه، فاشیستی یا واپس گرایانه در جنبش فراگیر ضد جهانی سازی، و یا گرایشات ملی - دموکراتیک همچون چاوز (ونزوئلا) و لولا داسیلوا (برزیل)، به افق سوسیالیستی چشم ندوخته اند. با این وجود، تاثیر متفاوت مبارزه آنها در

گسترش و تعمیق اهداف دموکراتیک و عدالت خواهانه این جنبش نیز قابل انکار نیست. جنبشی که در ونزوئلا تحت رهبری چاوز علیه سیاست مداخله گرایانه آمریکا شکل گرفته، جنبشی با ویژگیهای ملی - دموکراتیک است و در نتیجه اهدافی در همین چارچوب را نشانه گرفته که سوسیالیستی به معنای ناب آن نیستند. "ملی" است زیرا علیه سیاست سلطه گرایانه یک قدرت خارجی برای تحمیل حکومت دست نشانده و کنترل منابع ثروت ونزوئلا به جریان افتاده و "دموکراتیک" است چون وسیع ترین اقشار اجتماعی این کشور را بسیج کرده و حول مطالبات اصلی شان به مداخله و تاثیر گذاری واداشته است. همه پرسى تحمیلی اخیر، یک صحنه علنی برای ورود نیروهای محرک و بازدارنده این جنبش بود و به خوبی رویارویی عریان بین دو نیروی متخاصم برسر هضم و ادغام ونزوئلا در نظم نوین کاخ سفید یا مقاومت در برابر آن را به نمایش گذاشت. تحلیل مشخص از شرایط مشخص از آن جهت برای نیروهای انقلابی موضوعی با اهمیت است که آنان را در سمتگیری بسوی حمایت از یک جنبش و یا رویگردانی از آن یاری می دهد. با در نظر گرفتن شرایط ویژه ای که همه پرسى در کشور ونزوئلا تحت آن صورت گرفت و با نگاهی به جریانات پشت و روی پرده و سرآخر با توجه به مرحله ای که نفوذ سرمایه داری و جهانی سازی، قدرت سیاسی را در جهان از آن خود می داند و از هر گونه رفورم اجتماعی می هراسد، همه پرسى در ونزوئلا موضع گیری ویژه خود را طلب می کند. مقاله " همه پرسى چاوز و ابقای سرمایه " بدین اشاره دارد که "از یک طرف چاوز مغضوب آمریکاست و از جانب دیگر با سیاستهای اصلاحی نیم بند خود برنامه هایی را اجرا کرده است که اقشار فرو دست جامعه را خوشحال می کند". از این رو و به این دلیل که او "هیچگونه تغییرات ساختارهای اقتصادی و سیاسی را مد نظر قرار نداده" بنابر این "آفرین و صد بارک

الله" گفتن به صف طولانی رای دهندگان " شکست امپریالیسم" نبوده و "هورا کشیدن برای مردم ونزوئلا" یا "ستایش صندوقهای رای،" ستایش یک "انقلاب مخملین است" که حاصلی جز "ابقای سرمایه" دربر ندارد. واقعیت این است که روز یکشنبه ۱۵ اوت، مردم ونزوئلا با ریختن رای "نه" در صندوق، به یک پیروزی چشمگیر و تاریخی دست یافتند. این همه پرسى با اصرار جناح راست این کشور که از حمایت بی پرده واشنگتن نیز برخوردار بود، به امید کنار گذاشتن زودتر چاوز قبل از انتخابات آینده، برگزار شد. پس از اعلام نتایج همه پرسى، چاوز از بالکن قصر ریاست جمهوری خطاب به دهها هزار نفر از طرفدارانش که گرد هم آمده بودند گفت که این همه پرسى "هدیه ای برای بوش" بود. در روز رای گیری، صف رای دهندگان در روستاها و محله های فقیر نشین شهرها که برای ریختن رای خود در حمایت از چاوز آمده بودند، به طور چشمگیری طولانی بود. به همین صورت در مناطقی با ساکنان ثروتمند نیز این صف به درازا کشیده شده بود. اما آنها جهت رسیدن به هدف دیگری به پای صندوقها آمده بودند. شرکت این چنین گسترده مردم با اهداف کاملا متضاد، نشانگر قطب بندی اجتماعی موجود در این کشور است. از زمان برسر کار آمدن بوش، نزدیک به ۴ میلیون دلار به گروه های مخالف چاوز برای براندازی او پرداخت شده است. در همین حال، کارمندان بوش نقشه " دولت پس از چاوز" را می کشیدند. اما از سوی دیگر چاوز نیز این سوال را که آیا می خواهند "کشوری آزاد" داشته باشند یا "مستعمره آمریکا" گردند را، پیش روی مردم نهاده بود. همه پرسى درونزوئلا تحت شرایطی صورت گرفت که از یک سو رسانه های اصلی مانند روزنامه های یونیورسال و ناسیونال و کانال تلویزیونی گاستاوو سینیورز که مالکیت آنان در دست سرمایه داران قرار دارد و نیز تلویزیون CNN، با تلاشهای

خصمانه خود حمایت از مخالفین چاوز را به هیچ رو پنهان نمی کردند. رهبران جبهه متحد الیگارشسی سیاسی، کوردینادورا دموکراتیک، نتایج این همه پرسى را "تقلبی بزرگ" خواندند و از پذیرش آن سر باز زدند. این در حالی بود که نظاره گران بین المللی صحت انتخابات را تایید می کردند و حتی جیمی کارتر، رییس جمهور سابق آمریکا که از ناظران این انتخابات بود گفت، تا کنون در هیچ همه پرسى ای چنین شرکت گسترده ای ندیده است. با توجه به این واقعیت او پیش بینی کرده بود: "نتیجه این انتخابات بسیار بهتر از آنچه ما در سال ۲۰۰ در آمریکا داشتیم خواهد بود." این انتخابات سومین شکست تلاش جناح راست برای برکناری چاوز بود. در ماه آوریل ۲۰۰۲، این جناح با همکاری بوش به کودتایی دست زد که در نتیجه آن چاوز زندانی گشت و جای او را نظامیان و تجار اشغال کردند. این توطئه با شورش، اعتراض و مقاومت مردم زاغه نشین و طبقه کارگر و تهدیدت روبرو شده و خنثی گشت. دولت بوش که حامی جناح راست و سرنگونی چاوز است، به خاطر وابستگی نزدیک اش به کمپانیهای نفتی، از افزایش بهای نفت در حالیکه چند ماهی به انتخابات ریاست جمهوری باقی نمانده است، در هراس است. از سوی دیگر، سناتور کری نیز به همین صورت خواستار "فشار بیشتر" بر چاوز شده و برای مخالفین او کمکهای ۳ برابر را پیشنهاد داده است. حوادث عراق و تهدیدهای نفتی در سراسر خاور میانه و ضرورت وجود اطمینان از سرازیر شدن نفت از سوی ونزوئلا، شرایط استراتژیک و حساسی را در این سوی جهان به وجود آورده است. کشورهای آمریکای لاتین روزانه یک و نیم میلیون بشکه از صادرات نفتی دو و نیم میلیونی خود را به آمریکا می فرستند. این مقدار، ۱۳ صد واردات نفتی آمریکا را در بر می گیرد. از این رو، اگر چه واشنگتن در برابر پیروزی چاوز به ظاهر واکنش بقیه در صفحه ۸